

کاهش ۳ میلیونی مراجعات حضوری به شعب تامین اجتماعی

معاون فنی و درآمد سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد: «ارائه خدمات الکترونیک این سازمان به ذی نفعان موجب کاهش ماهیانه ۳ میلیون مراجعه به شعب شده است.»
محمدحسین زدا با بیان اینکه ابلاغ الکترونیک احکام مطالباتی، رؤیت سوابق بیمه‌شدگان، دریافت فیش حقوقی و احکام بازنشستگان و مستمری بگیران، ارسال و پرداخت حق بیمه از سوی کارفرمایان و بیمه‌شدگان بخشی از برنامه‌های این سازمان در خدمات‌رسانی غیرحضوری است، گفت: «سازمان تامین اجتماعی در راستای افزایش اثربخشی فعالیت‌ها، توسعه خدمات غیرحضوری را در دستور کار خود قرار داده است.» وی تک‌ریم ارباب‌رجوع، بهبود پاسخگویی، تسهیل در فرآیندها و کاهش هزینه‌ها را از مزایای توسعه خدمات الکترونیک سازمان تامین اجتماعی عنوان کرد.

دوشنبه ● ۲۴ اسفند ۱۳۹۴ ● شماره چهل و هفت

ا ت ی ۷ ع ه ن و



«مسعود شاه حسینی»

«روزنامه‌نگار»

«حداقل دستمزد» با اینکه گزاره ترکیبی بسیار ساده‌ای به نظر می‌رسد، اما پیچیدگی‌های قانونی زیادی دارد. گو اینکه همه‌ساله در فصل پایانی سال توجهات و تبع‌ان بحث و گفتگوها پیرامون این موضوع لوج می‌گیرد و نمایندگان گروه‌های کارگری، کارفرمایی و دولت بر سر تعیین حداقل دستمزد سال آینده نیروهای کار، دور یک میز جمع می‌شوند. روال معمول سال‌های اخیر این جلسات آن بوده که در حالی که کارگران از ضرورت تناسب و توازن بیشتر میان هزینه‌های زندگی با دستمزد‌های می‌گویند، نمایندگان کارفرمایی به سبب بنیه اقتصادی ضعیف تولید، با افزایش قابل توجه دستمزد‌ها مخالفت می‌کنند. در این میان اگر چه قاعدتاً باید ماده ۴۱ قانون کار مبنای تعیین دستمزد سال آینده کارگران باشد، اما دقیقاً تفاسیر مختلف از همین ماده است که به اختلاف‌نظرهای سه گروه دخیل در این فرآیند دامن زده و آن را گاه به گاهی سخت تبدیل می‌کند. براساس ماده ۱۶۷ قانون کار، شورای عالی کار که مسئولیت تعیین حداقل دستمزد را بر عهده دارد، مرکب از ۳ نفر از نمایندگان کارگری، ۳ نفر از نمایندگان کارفرمایان و ۵ نفر به نمایندگی از طرف دولت است و همین ترکیب و نیز نحوه انتخاب این نمایندگان سال‌هاست که به محل اختلاف‌نظر و چالش تبدیل شده است و فعالان جامعه کارگری این ترکیب و نحوه انتخاب را نامتوازن می‌دانندو خواستار بازنگری در آن‌اند. در گر ماگرم گفت‌وگوهای نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت درخصوص تعیین حداقل دستمزد نیز افزایش سایر سطوح دستمزدی برای سال آینده، در شانزدهمین روز از آخرین ماه سال، انجمن علمی مطالعات توسعه اجتماعی و انجمن علمی جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، نشست با عنوان «جامعه و دستمزد» با حضور فریبرز رئیس‌دانا (اقتصاددان و نویسنده کتاب اقتصاد سیاسی)، محمدمالجو (نویسنده و پژوهشگر اقتصاد سیاسی)، فرشید یزدانی (دبیر شورای عالی برنامه‌ریزی راهبردی سازمان تامین اجتماعی)، کاظم فرج‌اللهی (فعال کارگری) و حسین حبیبی (دبیر کانون شورای اسلامی کار تهران) در دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه برگزار کرد. در این نشست که با استقبال علاقه‌مندان همراه بود، هر کدام از سخنرانان از منظر خود به موضوع تعیین حداقل دستمزد و آسیب‌شناسی چرایی پایین بودن سطح دستمزد‌ها در گذر دهه‌های طولانی عمر اقتصاد کار در ایران پرداختند.

■ کاهش توان فردی و جمعی کارگران

در این نشست علمی، محمد مالجو با بیان اینکه بخش اعظمی از جامعه کارگری ایران، پس از جنگ هشت‌ساله در یک چرخه معیوب قرار گرفته، گفت: «طی چند دهه گذشته، وضع معیشتی کارگران به طور مستمر رو به وخامت بوده و دامن‌انداز آینده هم ادامه همین روند را نشان می‌دهد.» وی تعیین رقم حداقل دستمزد را تنها یکی از مولفه‌های تعیین‌کننده چنین چرخه‌ای عنوان کرد و اظهار داشت: «این چرخه معیوب به میزان زیادی محصول استراتژی‌ها و سیاست‌های اقتصادی است.» وی با بیان اینکه در سال‌های پس از جنگ سهم‌بری صاحبان نیروی کار در فرایند تولید و توزیع مستمر کاهش یافته است، نرخ دستمزد را یکی از اجزای این سهم‌بری دانست و گفت: «ایمنی محل کار، امنیت شغلی و وضعیت مسکن و شرایط اسکان، شدت کار و دستمزد‌های اجتماعی از جمله اجزای دیگر سهم‌بری صاحبان نیروی کار و خانوار‌های آن‌ها در فرایندهای تولید و توزیع است.» وی در تشریح سیاست‌هایی که در شرایط زیستی و کاری نیروی کار تأثیر گذاشته است، گفت: «سیاست اول تأثیرگذار، موقتی‌سازی بخش عمده قراردادهای نیروی کار و تهدید شدید امنیت شغلی بخش عظیمی از شاغلان بود. سیاست دوم، ظهور شرکت‌های پیمانکاری تامین نیروی انسانی است که ارتباط مستقیم حقوقی بین کارگر و کارفرما را قطع کرد. سیاست سوم هم خروج کارگاه‌های کوچک زیر دفر شاغل از شمول ماده ۲۶ قانون کار بود که در موارد بسیاری عملاً کلیت قانون کار را هدف قرار داد و از این رهگذر حدود ۵۰ درصد از کارگران را در حمایت موثر قانون کار محروم کرد.» این استاد اقتصاد سیاسی با بیان اینکه این

کاظم فرج‌اللهی، فعال کارگری، در نشست جامعه و دستمزد گفت: «کارگران نیروی کار خود را در اختیار فرایند تولید قرار می‌دهند و بنابراین انتظار حداقلی آنان درباره رفاه و آسایش، طبیعی به نظر می‌رسد از سوی دیگر کارفرمایان نیز در اندیشه کسب سود بیشتر هستند. به همین دلیل عموماً منافع این دو قشر در مقابل یکدیگر تصور می‌شود.» وی افزود: «دستمزد نیروی کار مولفه‌ای است که توازن قوای طبقاتی مشخص می‌کند چقدر می‌توان آن را کاهش یا افزایش داد.» فرج‌اللهی گفت: «تلاش کارگران برای تبادل نظر و حل مشکلاتشان به صورت جمعی، گاه با انگ‌های

مختلفی همراه می‌شود و برقراری ارتباط با مجامع جهانی کارگری برای استفاده از تجربیات آن‌ها در مواردی توام با اتهام‌های سیاسی است، اما تماس کارفرمایان با انوع شرکت‌ها و اتحادیه‌های کارفرمایی خارجی و بین‌المللی و شرکت در هر نوع نشست‌های بین‌المللی صاحبان سرمایه، نه تنها مورد

مخالفت قرار نمی‌گیرد بلکه با عنوان انقذار قراردادهای اقتصادی و سرمایه‌گذاری در خارج یا سرمایه‌گذاری خارجی در ایران ستایش



بیکار دست کم ۵/۵ میلیونی به وجود آمده است. بسیاری از شاغلان نیز به سبب قراردادهای موقت کار از کمترین امنیت شغلی و قدرت

نیاز به تشکل‌های مستقل و کارآمد

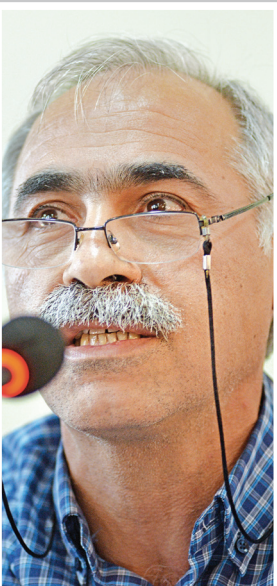
و تشویق هم می‌شود.» این فعال کارگری گفت: «متأسفانه سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر واردات انبوه و بی‌رویه کالا‌های مصرفی پس از پایان جنگ تحمیلی، که تا امروز نیز به‌اشکالی ادامه یافته است، منجر به تضعیف شدید و پلاتکلیفی بخش اعظم ظریف‌های تولیدی کشور شده و جمعیت بیکار دست کم ۵/۵ میلیونی به وجود آمده است. بسیاری از شاغلان نیز به سبب قراردادهای موقت کار از کمترین امنیت شغلی و قدرت



کتیو | ۰۳

حداقل دستمزد؛ تحلیل در دانشگاه

گزارش نشست «جامعه و دستمزد» با محوریت نقش حداقل‌ها در زندگی نیروهای کار



از راست به چپ: دکتر محمد مالجو، حسین حبیبی، دکتر فرشید یزدانی، دکتر فریبرز رئیس‌دانا ■ عکس‌ها: مرضیه پروانه

■ کم‌افزایی دستمزد تهدیدی برای تامین اجتماعی

عضو هیئت‌مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران با بیان اینکه این شورا مطابق اصل ۱۰۴ قانون اساسی جهت عدالت و پیشرفت در حوزه کار تشکیل شده، اظهار داشت: «این شورا تشکلی دوجوچی است که از یک نظر صنفی است و در راستای برقراری عدالت در بین گروه‌های کارگری تلاش‌هایی می‌کند و وجه دوم آن پیشرفت امور کارگاه، شرکت با واحد اقتصادی است.» حسین حبیبی با اشاره به مشکلات ساختاری فرایند افزایش دستمزد‌ها گفت: «شورای عالی کار براساس ماده ۱۶۷ با حضور ۲۳ نفر از نمایندگان کارگران، ۲ نفر نماینده دولت و ۳ نفر هم به نمایندگی از سوی کارفرمایان تشکیل می‌شود. اما چند سال پیش دو نفر دیگر از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و موسسه استاندارد به این شورا اضافه شدند که این افزایش سبب شد تعداد نمایندگان کارفرمایی و نمایندگان دولت به شکل نامتوازی در این شورا افزایش بیابد.» وی با اشاره به ضرورت تغییر رویکرد دولت جدید در تعیین دستمزد نسبت به گذشته افزود: «در ماده ۴۱ قانون کار علاوه بر نرخ تورم، سبد معیشت نیز برای محاسبه حداقل دستمزد مورد توجه قرار گرفته است. اعداد و ارقام نشان می‌دهد که جامعه کارگری بسیار به‌سختی گذران زندگی می‌کند.» وی با اشاره به برخی دیدگاه‌ها، که با احتساب حق اولاد، حق مسکن و... میزان حداقل دریافتی کارگران را یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌دانند، یادآور شد: «نهایت ساده‌انگاری است اگر تصور کنیم با چنین ارقامی می‌شود گذران زندگی کرد. با چنین ارقامی اغلب کارگران در سطح فقر مطلق قرار می‌گیرند.» حبیبی اثرات کم‌افزایی دستمزد کارگران را تهدیدی جدی برای نظام تامین اجتماعی و سازمان تامین اجتماعی عنوان کرد و در توضیح این تهدید گفت: «هر چه درآمد و سطح دستمزد کمتر باشد، منابع ورودی سازمان تامین اجتماعی هم کمتر خواهد شد. از سویی اگر منابع سازمان تامین اجتماعی کم شود، مستمری‌های بازنشستگی و ارقام از کارافتادگی و بیمه بیکاری نیز کاهش می‌یابد.» وی با بیان اینکه کارگران به اتفاق خانواده‌های خود بیش از دوسوم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، بر اهمیت رسیدگی به وضعیت این قشر تأکید کرد.

در ماده ۴۱ قانون کار علاوه بر نرخ تورم، سبد معیشت نیز برای محاسبه حداقل دستمزد مورد توجه قرار گرفته است. اعداد و ارقام نشان می‌دهد که جامعه کارگری بسیار به‌سختی گذران زندگی می‌کند. از سویی هم هر چه درآمد و سطح دستمزد کمتر باشد، منابع ورودی سازمان تامین اجتماعی هم کمتر خواهد شد. از سویی اگر منابع سازمان تامین اجتماعی کم شود، مستمری‌های بازنشستگی و ارقام از کارافتادگی و بیمه بیکاری نیز کاهش می‌یابد.

■ تأثیر حداقل دستمزد بر تورم

فریبرز رئیس‌دانا نیز در این نشست با بیان اینکه برآوردهای علمی از میزان هزینه و دستمزد کارگران با واقعیت‌های بیرونی همخوانی ندارد، نرخ بیکاری و غیرواقعی بودن دریافتی‌های کارگران نسبت به حداقل دستمزد، خط فقر مطلق و نسبی، و شاخص تورم را از عوامل تأثیرگذار بر متوسط هزینه و درآمد خانوار عنوان کرد. وی تعیین حداقل دستمزد کارگران را موضوعی مهم دانست که تنها محدود به شاخص‌های اقتصادی نیست و مولفه‌های غیراقتصادی و به‌خصوص حقوق اجتماعی هم در آن دخیل هستند. نویسنده کتاب «جهانی‌سازی، قتل عام اقتصادی» اظهار داشت: «آمار‌های موجود از وضعیت بیکاری از ۱/۵ درصد رسمی تا ۲۰ درصد کارشناسی در نوسان است.» وی با بیان اینکه دریافتی‌های واقعی کارگران شاغل به طور متوسط ۶۰ درصد بیشتر از حداقل دستمزد تعیین شده است، گفت: «این اختلاف به خاطر حق اولاد، ایاب‌وذهاب، یارانه‌ها و هزینه‌ناهار و... است که از سوی کارفرمایان پرداخت می‌شود.» وی با بیان اینکه اگر ۱۵ درصد تورم پیش‌بینی شده برای سال آینده را به حداقل دستمزد ۷۱۲ هزار تومانی امسال اضافه کنیم، حداقل دستمزد به ۸۱۹ هزار تومان می‌رسد، افزود: «گر براساس قانون عمل کنیم، این مبلغ فقیرانه‌ترین مبلغی است که می‌تواند به کارگران اختصاص یابد.» رئیس‌دانا با اشاره به دستکاری‌های صورت گرفته در شاخص‌های تورم طی برخی سال‌های گذشته، اضافه کرد: «اگر قانون به‌درستی مورد اجرا قرار می‌گرفت، رقم محاسباتی ۸۱۹ هزار تومانی باید به یک میلیون و ۱۶۹ هزار تومان می‌رسید.» وی با تأکید بر اینکه شاخص تورم رسمی برای لایه‌ها و دهک‌های پایین‌تر جامعه بیشتر است، اظهار داشت: «واقعیت این است که کالا‌هایی که قشر زحمت‌کش جامعه مصرف می‌کنند، بیشتر از شاخص‌های اعلامی، تحت تأثیر افزایش قیمت قرار می‌گیرد.» نویسنده کتاب «اقتصاد سیاسی توسعه» با بیان اینکه حداقل دستمزد بر پایه محاسبه واقعی و کارشناسی از حداقل‌های زندگی خانوار کارگری به یک میلیون و ۴۴۰ هزار تومان می‌رسد، اظهار داشت: «اگر خط فقر مطلق را در نظر بگیریم، حداقل دستمزد اقشار کارگری باید یک میلیون و ۳۳۰ هزار تومان تعیین می‌شد.» وی با هشدار در خصوص تبعات احتمالی عدم بهبود توزیع درآمد گفت: «اگر توزیع درآمد بهبود نیابد و فکری به حال ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار بیکار نکنیم، این نظریه اقتصادی که ایجاد رونق اقتصادی از مسیر سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شود، ناقص خواهد بود.» وی اضافه کرد: «تزریق سرمایه‌گذاری و برانگیختن تقاضا برای خرید کالاها مکمل یکدیگرند و نتها در صورت توجه به این اصل است که چابک‌سازی اقتصادی صورت می‌گیرد.» وی اضافه کرد: «براساس محاسبات ساده اقتصادسنجی، اگر حداقل دستمزد دوبرابر شود، تورم فقط یک و نیم درصد افزایش می‌یابد.»



«یادداشت»

«فرشید یزدانی»

|||||

غفلت از سهم نیروی کار در منافع توسعه

در مورد تعیین و الزام به رعایت «حداقل دستمزد» با وجود سابقه تاریخی آن، هنوز هم پرسش‌ها و ابهاماتی در برخی محافل علمی و اقتصادی مطرح است. عده‌ای می‌گویند تعیین حداقل دستمزد الزام فعالان اقتصادی به رعایت آن، باعث افزایش نرخ بیکاری در جامعه می‌شود. این عده معتقدند برپایه اصول اقتصاد کلاسیک، این منحنی عرضه و تقاضاست که تعیین‌کننده قیمت‌هاست، و چون تعیین حداقل دستمزد دخالت در بازار است، در نتیجه منجر به کاهش تقاضا و شیوع بیکاری در بازار کار می‌شود. این عده معتقدند سهم دستمزد در هزینه‌های تولید و فعالیت اقتصادی بالاست، اگر حداقل دستمزد با دخالت عواملی غیر از عوامل کلاسیک بازار مثلاً با دخالت دولت افزایش یابد، تورم را می‌شود و ضد تولید است. اما آیا واقعاً این اتفاق می‌افتد؟ آیا واقعاً تعیین حداقل دستمزد محل تولید است؟ سهم دستمزد نیروی کار در هزینه‌های تولید چقدر است؟ دستمزد نیروی کار به نوعی هزینه بازتولید نیروی کار است و دئوع نگاه در مورد بازتولید نیروی کار وجود دارد. نگاه اول کوتاهمدت و محدود به تأمین حداقل نیازهای نیروی کار برای زندگی شامل خوراک، پوشاک و سرپناه حداقلی است اما در نگاه بلندمدت، به آموزش و توانمندسازی و سلامت نیروی کار هم توجه می‌شود. اولین بحث‌های معطوف به حداقل دستمزد در کشور ما هم در سال‌های دهه ۲۰ و ۳۰ معطوف به نگاه کوتاهمدت و تأمین حداقل‌های زندگی کارگران بود. اما سازمان بین‌المللی کار در توصیه‌نامه ۱۲۵ خود برای تعیین حداقل دستمزد، شش مولفه دخیل در تعیین حداقل دستمزد را معرفی می‌کند. اولین مولفه تأمین نیاز کارگران و خانواده‌های آن‌هاست. مولفه دوم سطح عمومی مردهاست. سطح عمومی هزینه‌های زندگی، مزایای تامین اجتماعی تعلق گرفته به نیروی کار، استانداردهای نسبی زندگی در جامعه و ضرورت‌های توسعه اقتصادی کشور، از جمله مولفه‌هایی است که به اعتقاد سازمان بین‌المللی کار باید در تعیین حداقل دستمزد مورد توجه قرار بگیرد و انتظار می‌رود که شورای عالی کار هم در بحث‌های مربوط به تعیین حداقل دستمزد به این مولفه‌ها نگاهی جدی داشته باشد. باید از این شورا خواست که در کنار توجه به ضرورت‌های رشد و توسعه اقتصادی کشور، به سایر مولفه‌های دخیل در تعیین حداقل دستمزد و نیازهای جامعه کارگری که موتور محرک اقتصاد کشور است نیز نگاه واقع‌بینانه‌تری داشته باشد. به‌واقع انتظار این است که تعیین حداقل دستمزد یک ابزار سیاست‌گذاری اجتماعی و اقتصادی برای دولت و راهبردی برای توزیع مناسب‌تر درآمدها در کشور باشد که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مجموعه دولت است که باید تلفیقی مناسب از نگاه کوتاهمدت و بلندمدت را در تعیین حداقل دستمزد جاری و ساری کند و اجازه ندهد در این فرایند تنها به نیازهای حداقلی نیروی کار با نگاهی کوتاهمدت توجه شود. نگاهی به آمار‌ها نشان می‌دهد از سال ۹۲ به بعد حداقل دستمزد به‌زیر هزینه‌های زندگی حتی دهک اول رفته و به‌تدریج با غلبه نگاه کوتاهمدت، از سطح درآمد و هزینه خانوار عقب‌نشینی کرده است. مقایسه حداقل دستمزد با درآمد ملی هم می‌تواند معیاری از کارآمدی فرایند تعیین حداقل دستمزد باشد. رشد همزمان درآمد ملی و رشد حداقل دستمزد به نوعی نشان‌دهنده سهمی است که نیروی کار با توجه به تولید کشور به خود اختصاص می‌دهد. انتظار این است که با افزایش درآمد ملی، سهم طبقات ضعیف هم در درآمد ملی افزایش یابد، اما چنین اتفاقی نیفتاده است. در دهه ۸۰ نسبت رشد حداقل دستمزد به رشد درآمد ملی ۲۰ درصد کمتر بود. سهم جبران خدمت در کل ارزش افزوده نیز چنین وضعیتی را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۸۰ حدود ۲۴/۵ درصد ارزش افزوده به جبران خدمات اختصاص می‌یافت، اما این رقم در سال ۱۳۹۲ به حدود ۲۱ درصد کاهش پیدا کرد. در تعیین حداقل دستمزد باید به سهم که نیروی کار از هزینه‌های تولید می‌برد، دقت کرد و توجه داشته باشیم این سهم کاهش پیدا نکند. برابری اتفاقاتی که در سال‌های مختلف و در حوزه‌های متنوع رخ داد، متوجه می‌شویم که سهم نیروی کار به طور مرتب در حال کاهش بوده و اثرات منفی خاص خود را بر تمام حوزه‌ها از جمله افزایش کودکان کار، دوشغله شدن افراد، شاغل شدن بازنشسته‌ها و... گذاشته است. نرخ تورم به‌شدت در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ افزایش پیدا کرد و تأثیرات غیر قابل‌توصیفی بر این حوزه‌ها به جا گذاشت. در حال حاضر هم این انتظار معقولی است که حداقل دستمزد کمی جبران شود. باید بی‌پیریم که رقم کنونی حداقل دستمزد‌ها مطلوب نیست و اگر این رقم راحتی تأثیر برابر افزایش دهیم، به طور قطع بر هزینه تولید فشار چندانی وارد نخواهد ساخت. باید توجه به چنین چارچوبی است که ما راه آینده‌ای روشن‌تر برای نیروهای مولد و کارگران کشور هدایت خواهد کرد.

کارشناس حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی